

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۱۲۵

آیه ۲۳ - ۲۴

آیه و ترجمه

و ان كنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فاتوا بسورة من مثله و ادعوا شهداءكم من دون الله ان كنتم صادقین ۲۳
فان لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار التی وقودها الناس و الحجارة اعدت للكافرين ۲۴

ترجمه :

۲۳- اگر درباره آنچه بر بنده خود (پیامبر) نازل کرده ایم شک و تردید دارید (لااقل) یک سوره همانند آن بیاورید و گواهان خود را غیر از خدا بر این کار دعوت کنید اگر راست می گوئید.

۲۴- اگر این کار نکردید - و هرگز نخواهید کرد - از آتشی بترسید که هیزم آن بدنهای مردم (گنهکار) و سنگهای است که برای کافران مهیا شده است.

تفسیر :

قرآن معجزه جاویدان

از آنجا که نفاق و کفر که موضوع بحثهای آیات پیشین بود، گاهی از عدم درک محتوای نبوت و اعجاز پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سرچشمه می گیرد، در آیات مورد بحث به این مسأله پرداخته و مخصوصاً انگشت روی معجزه جاویدان «قرآن» می گذارد تا هرگونه شک و تردید را نسبت به رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) از میان ببرد، می گوید:
«اگر درباره آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم، شک و تردید دارید لااقل سوره های همانند آن بیاورید (و ان كنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا بسورة من مثله).

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۱۲۶

و به این ترتیب قرآن همه منکران را دعوت به مبارزه با قرآن و همانند یک سوره مانند آن می کند تا عجز آنها دلیلی باشد، روشن بر اصالت این وحی آسمانی در رسالت الهی آورنده آن.

سپس برای تاءکید بیشتر می‌گوید: تنها خودتان به این کار قیام نکنید بلکه «تمام گواهان خود را جز خدا دعوت کنید (تا شما را در این کار یاری کنند) اگر در ادعای خود صادقید که این قرآن از طرف خدا نیست» (و ادعوا شهداءکم من دون الله ان کنتم صادقین).

کلمه «شهداء» در اینجا اشاره به گواهانی است که آنها را در نفی رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کمک می‌کردند، و جمله «من دون الله» اشاره به این است که حتی اگر همه انسانها جز الله دست به دست هم بدهند، برای اینکه یک سوره همانند سوره‌های قرآن بیاورند قادر نخواهند بود. و جمله ان کنتم صادقین (اگر راست می‌گوئید) در حقیقت برای تحریک آنها به قبول این مبارزه است، و مفهومی این است که اگر شما از این کار عاجز هستید دلیل دروغگوئی شماست پس برای اثبات راستگوئی خود برخیزید و دست به کار شوید.

«تحدی» و دعوت به مبارزه، باید هر چه ممکن است قاطع باشد، و دشمن را تا آنجا که امکان دارد تحریک کند و به اصطلاح بر سر غیرت آورد، تا تمام قدرت

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۱۲۷

خود را به کار گیرد و پس از عجز و ناتوانی به طور مسلم بداند پدیده‌ای که با آن روبرو است یک پدیده بشری نیست، یک امر الهی است. لذا در آیه بعد با تعبیرهای مختلف به این مهم پرداخته می‌گوید: اگر شما این کار را انجام ندادید - و هرگز انجام نخواهید داد - از آتشی بترسید که هیزم آن بدنهای مردم بی‌ایمان، و همچنین سنگها است! (فان لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار التي وقودها الناس و الحجاره). «آتشی که هم اکنون برای کافران آماده شده است» و جنبه نسیه ندارد! (اعدت للكافرين)

«وقود» به معنی «آتشگیره» است یعنی ماده قابل اشتعال مانند هیزم (نه به معنی آتزنه همچون کبریت یا جرقه‌ای که با سنگهای مخصوص ایجاد می‌کنند).

عده‌ای از مفسران گفته‌اند که منظور از «حجاره» بتهائی است که آنها را از سنگ ساخته بودند و آیه ۹۸ سوره انبیاء را شاهد آن دانسته‌اند: انکم و ما تعبدون من دون الله حصب جهنم: «شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید

آتشگیره دوزخ است».

بعضی دیگر می‌گویند: «(حجاره)» اشاره به سنگهای گوگردی است که حرارتشان بیش از سنگهای دیگر می‌باشد. ولی بعضی از مفسران معتقدند که منظور از این تعبیر توجه دادن به شدت حرارت دوزخ است، یعنی آنچنان حرارت و سوزندگی دارد که سنگها و انسانها را همانند هیزم شعله‌ور می‌سازد. آنچه با ظاهر آیات فوق، سازگارتر به نظر می‌رسد این است که آتش دوزخ از درون خود انسانها، و سنگها، شعله‌ور می‌شود، و با توجه به این حقیقت که امروز ثابت شده همه اجسام جهان در درون خود، آتشی عظیم نهفته دارند، (یا به تعبیر

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۱۲۸

دیگر انرژیائی که قابل تبدیل به آتشند) درک این معنی مشکل نیست و لزومی ندارد که آن آتش سوزان را شبیه آتشیهای معمولی این جهان بدانیم. در سوره همزه آیه ۶ و ۷ می‌خوانیم نار الله الموقدة التي تطلع علی الافئدة: «آتش سوزان پروردگار که از درون دلها سرچشمه می‌گیرد و بر قلبها سایه می‌افکند، و از درون به برون سرایت می‌کند» (به عکس آتشیهای این جهان که از بیرون به درون می‌رسد)!

نکته‌ها:

۱- چرا پیامبران به معجزه نیاز دارند؟

می‌دانیم که منصب نبوت و پیامبری بزرگترین منصبی است که به عده‌ای از پاکان عطا شده است، زیرا مناصب و مقامهای دیگر معمولاً حاکم بر جسم افراد است، ولی منصب نبوت منصبی است که بر جان و دل جامعه‌ها حکومت می‌کند، لذا به همان نسبت که ارج بیشتری دارد مدعیان کاذب و افراد شیاد بیشتری، این منصب را به خود می‌بندند، و از آن سوء استفاده می‌کنند. در اینجا مردم می‌بایست یا ادعای هر مدعی را بپذیرند، و یا دعوت همه را رد کنند، اگر همه را بپذیرند، پیدا است چه هرج و مرجی به وجود می‌آید، و دین خدا به چه صورت جلوه خواهد کرد، و اگر هیچکدام را نپذیرند آن هم نتیجه‌اش گمراهی و عقب ماندگی است.

بنابراین همان دلیلی که اصل بعثت پیامبران را الزامی می‌شمارد پیامبران راستین می‌بایست نشانه‌ای همراه داشته باشند که علامت امتیاز آنان از

مدعیان دروغین، و سند حقانیت آنها باشد.
روی این اصل لازم است هر پیامبری، معجزه‌ای بیاورد که گواه صدق رسالتش گردد.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۱۲۹

و همانطور که از لفظ «معجزه» پیدا است، باید پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) قدرت بر انجام اعمال خارق العاده‌ای داشته باشد که دیگران از انجام آن «عاجز» باشند.

پیامبری که دارای معجزه است لازم است مردم را به مقابله به مثل دعوت کند، او باید علامت و نشانه درستی گفتار خود را معجزه خویش معرفی نماید تا اگر دیگران می‌توانند همانند آن را بیاورند، این کار را در اصطلاح «تحدی» گویند.

قرآن معجزه جاودانی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم)

از میان معجزات و خارق عاداتی که از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) صادر شده قرآن برترین سند زنده حقانیت او است. قرآن کتابی است فوق افکار بشر، کسی تاکنون نتوانسته کتابی همانند آن را بیاورد، این کتاب یک معجزه بزرگ آسمانی است. علت اینکه قرآن به عنوان سند زنده حقانیت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) و معجزه بزرگ او از میان تمام معجزاتش برگزیده شده این است که قرآن معجزه‌ای است «گویا»، «جاودانی»، «جهانی»، و «روحانی».

پیامبران پیشین می‌بایست همراه معجزات خود باشند و برای اثبات اعجاز آنها مخالفان را دعوت به مقابله به مثل کنند، در حقیقت معجزات آنها خود زبان نداشت و گفتار پیامبران، آن را تکمیل می‌کرد، این گفته در مورد معجزات دیگر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) غیر از قرآن نیز صادق است. ولی قرآن یک معجزه گویا است، نیازی به معرفی ندارد خودش به سوی خود دعوت می‌کند، مخالفان را به مبارزه می‌خواند محکوم می‌سازد، و از میدان مبارزه، پیروز، بیرون می‌آید، لذا پس از گذشت قرن‌ها از وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) همانند زمان حیات او، به دعوت خود ادامه می‌دهد، هم دین است و هم معجزه، هم قانون است و هم سند قانون.

جاودانی و جهانی بودن قرآن

قرآن مرز «زمان و مکان» را در هم شکسته و مافوق زمان و مکان قرار گرفته است، به خاطر اینکه معجزات پیامبران گذشته و حتی معجزات خود پیامبر اسلام غیر از قرآن، روی نوار معینی از زمان، و در نقطه مشخصی از مکان و در برابر عده خاصی صورت گرفته است، سخن گفتن نوزاد مریم (علیها السلام) و زنده کردن مردگان و مانند آن بوسیله مسیح (علیه السلام) در زمان و مکان و در برابر اشخاص معینی بوده و چنانکه می‌دانیم، اموری که رنگ زمان و مکان به خود گرفته باشند، به همان نسبت که از آنها دورتر شویم، کم رنگتر جلوه می‌کنند، و این از خواص امور زمانی است. ولی قرآن، بستگی به زمان و مکان ندارد همچنان به همان قیافه‌ای که ۱۴۰۰ سال قبل در محیط تاریک حجاز تجلی کرد، امروز بر ما تجلی می‌کند بلکه گذشت زمان و پیشرفت علم و دانش به ما امکاناتی داده که بتوانیم استفاده بیشتری از آن نسبت به مردم اعصار گذشته بنمائیم، پیدا است هر چه رنگ زمان و مکان به خود نگیرد تا ابد و در سراسر جهان پیش خواهد رفت، بدیهی است که یک دین جهانی و جاودانی باید یک سند حقانیت جهانی و جاودانی هم در اختیار داشته باشد.

روحانی بودن:

امور خارق العاده‌ای که از پیامبران پیشین به عنوان گواه صدق گفتار آنها دیده شده معمولاً جنبه جسمانی داشته: شفای بیماران غیر قابل علاج، زنده کردن مردگان سخن گفتن کودک نوزاد در گاهواره، و ... همه جنبه جسمی دارند و چشم و گوش انسان را تسخیر می‌کنند، ولی الفاظ قرآن که از همین حروف و کلمات معمولی ترکیب یافته در اعماق دل و جان انسان نفوذ می‌کند، روح او را مملو از اعجاب و تحسین می‌سازد، افکار و عقول را در برابر خود وادار به تعظیم می‌نماید معجزه‌ای است که تنها با مغزها و اندیشه‌ها و ارواح انسانها سر و کار دارد، برتری

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۱۳۱

چنین معجزه‌ای بر معجزات جسمانی احتیاج به توضیح ندارد.

آیا قرآن دعوت به مقابله کرده است؟

قرآن در چند سوره دعوت به مقابله به مثل نموده است از جمله:

۱- در سوره اسراء آیه ۸۸ - این سوره در مکه نازل شده است - می‌خوانیم:

قل لئن اجتمعت الانس والجن علی ان یاتوا بمثل هذا القرآن لایاتون بمثله و لو

كان بعضهم لبعض ظهيرا: «بگو اگر تمام جن و انس اجتماع کنند تا کتابی همانند قرآن بیاورند، نمی‌توانند، اگر چه نهایت همفکری و همکاری را به خرج دهند».

۲- در سوره هود - این سوره نیز در مکه نازل شده است - در آیات ۱۳ و ۱۴ می‌خوانیم:

ام يقولون افتراه قل فأتوا بعشر سور مثله مفتریات و ادعوا من استطعتم من دون الله ان كنتم صادقین فان لم یستجیبوا لكم فاعلموا انما انزل بعلم الله ... «می‌گویند این آیات را به خدا افترا بسته (و ساختگی است) بگو اگر راست می‌گوئید شما هم ده سوره ساختگی همانند آن بیاورید، و غیر از خدا هر کسی را می‌توانید به کمک خود دعوت کنید، و اگر این دعوت را اجابت نکردند بدانید این آیات از طرف خدا است ...

۳- در سوره یونس - که نیز در مکه نازل شده در آیه ۳۸ چنین آمده است: ام يقولون افتراه قل فاتوا بسورة مثله و ادعوا من استطعتم من دون الله ان كنتم صادقین:

«می‌گویند بر خدا افترا بسته، بگو سوره‌ای همانند آن بیاورید و هر کس غیر از خدا را می‌توانید به یاری طلبید، اگر راست می‌گوئید».

۴- آیه مورد بحث که در مدینه نازل شده است.

همانطور که ملاحظه می‌شود قرآن با صراحت و قاطعیت بی‌نظیری دعوت به مبارزه کرده صراحت و قاطعیتی که نشانه زنده حقانیت است. قرآن با بیان بسیار قاطع و صریح تمام جهانیان و کلیه کسانی را که در پیوند آن با مبدا جهان آفرینش تردید داشتند دعوت به مقابله به مثل کرده است، نه تنها دعوت کرده بلکه آنها را تشویق و تحریک به مبارزه نیز نموده است و کلماتی در این آیات به کار برده که به اصطلاح «به غیرت آنها برخورد نماید» این کلمات عبارتند از:

ان كنتم صادقین: «اگر راست می‌گوئید».

فأتوا بعشر سور مثله مفتریات: «ده سوره ساختگی مثل آن بیاورید».

قل فأتوا بسورة مثله ... ان كنتم صادقین: «اگر راست می‌گوئید یک سوره ساختگی بیاورید».

و ادعوا من استطعتم من دون الله: «غیر از خدا از هر کس می‌خواهید دعوت کنید».

قل لئن اجتمعت الانس و الجن: «اگر همه جهانیان دست به دست هم

بدهند...)).

لایاتون بمثلہ: «نمی‌توانند مثل آن را بیاورند...».

فاتقوا النار التي وقودها الناس والحجارة: «از آتشی بترسند که هیزم آن بدنهای مردم (گنهکار) و سنگها است.

فان لم تفعلوا و لن تفعلوا: «اگر مثل آن را نیاوردید، و هرگز نخواهید توانست...».

با این تحریکها و تشویقها، و با اینکه می‌دانیم این مبارزه تنها یک مبارزه ادبی یا مذهبی نبود بلکه یک مبارزه «سیاسی» «اقتصادی» و «اجتماعی» بود، مبارزهای

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۱۳۳

بود که همه چیز حتی موجودیت آنها در گرو آن بود، و به عبارت دیگر: یک مبارزه حیاتی محسوب می‌شد که مسیر و سرنوشت زندگی و مرگ آنها را روشن می‌ساخت اگر پیروزمی‌شدند همه چیز داشتند، و اگر مغلوب می‌شدند، باید از همه چیز خود دست بشویند.

با این حال اگر می‌بینیم آنها در مقابل قرآن زانو زده‌اند و نتوانستند همانند آن را بیاورند معجزه بودن قرآن روشنتر می‌شود.

قابل توجه اینکه این آیات منحصر به زمان و مکان خاصی نیست و تمام جهانیان و مراکز علمی دنیا را به سوی این مبارزه دعوت می‌کند و هیچگونه استثنائی در آن وجود ندارد و هم اکنون نیز به تحدی خود ادامه می‌دهد.

از کجا که مثل آن را نیاورده‌اند؟!

نظری به تاریخ اسلام پاسخ این سؤال را روشن می‌سازد، زیرا در داخل کشورهای اسلامی در زمان پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و پس از او حتی در خود مکه و مدینه مسیحیان و یهودیان سر سخت و متعصبی می‌زیستند که برای تضعیف مسلمان از هر فرصتی استفاده می‌کردند و علاوه در میان مسلمانان جمعی «مسلمان نما» که قرآن مجید آنها را «منافق» نام نهاده زندگی داشتند که رل جاسوسی بیگانگان بر عهده آنان بود (مانند آنچه درباره «ابوعامر» راهب و همدستان او از منافقان مدینه و چگونگی ارتباط آنها با امپراطور روم در تواریخ نقل شده که منتهی به ساختن «مسجد ضرار» در مدینه شد و آن صحنه عجیبی را که قرآن در سوره «توبه» به آن اشاره کرده است بوجود آورد).

مسلم این دسته از منافقان و آن عده از دشمنان متعصب و سرسخت که به دقت مراقب اوضاع مسلمین بودند و از هر جریانی که به زیان مسلمانان بود استقبال می کردند اگر به چنین کتابی دسترسی پیدا کرده بودند برای در هم شکستن آنها تا آنجا که می توانستند آنرا نشر می دادند و یا لااقل در حفظ و نگهداریش می کوشیدند.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۱۳۴

و لذا می بینیم حتی افرادی که به احتمال ضعیفی ممکن است به معارضه با قرآن برخاسته باشند، تاریخ نام آنها را ضبط کرده است از جمله: نام «عبدالله بن مقفع» را برده اند که او کتاب «الدرة الیتمة» را به همین منظور نوشته است.

در صورتی که کتاب مزبور هم اکنون در اختیار ما است و چندین بار چاپ شده است و کوچکترین اشاره ای در آن کتاب به این مطلب نشده است، نمی دانیم چطور این نسبت را به او داده اند؟

نام «متنبی» احمد بن حسین کوفی شاعر را در این زمره نیز ذکر کرده اند، که ادعای نبوت نموده است، در صورتی که قرائن زیادی نشان می دهد که داعیه او بیشتر بلند پروازی محرومیت های خانوادگی و حس جاه طلبی بوده است.

«ابوالعلائی معری» نیز متهم به این امر شده است، گر چه از او سخنان زنده ای نسبت به اسلام نقل شده اما هیچ وقت داعیه مبارزه با قرآن را نداشته است بلکه جملات جالبی درباره عظمت قرآن گفته که به پاره ای از آنها اشاره خواهد شد.

ولی «مسيلمه کذاب» از مردم یمامه مسلما از کسانی است که به مبارزه با قرآن برخاسته و به اصطلاح آیاتی آورده است که جنبه تفریحی آن بیشتر است بد نیست چند جمله از آنها را در اینجا بیاوریم:

۱- در برابر سوره «الذاریات»، این جمله ها را آورده است.

«و المبذرات بذرا و الحاصدات حصدا و الذاریات قمحا و الطاحنات طحنا و العاجنات عجنا و الخابزات خبزا و الثاردات ثردا و اللاقعات لقما اهالة و سمنا».

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۱۳۵

یعنی قسم به دهقانان و کشاورزان، قسم به درو کنندگان، قسم به جدا کنندگان کاه از گندم، قسم به جدا کنندگان گندم از کاه، قسم به خمیر کنندگان، قسم به نان پزندگان، قسم به ترید کنندگان! قسم به آن کسانی که لقمه‌های چرب و نرم بر می‌دارند!!

۲- یا ضفدع بنت ضفدع، نقی ما تنقین، نصفک فی الماء و نصفک فی الطین، لا الماء تکدرین و لا الشارب تمنعین.

«ای قورباغه دختر قورباغه! آنچه می‌خواهی صدا کن! نیمی از تو در آب و نیمی دیگر در گل است، نه آب را گل آلود می‌کنی و نه کسی را از آب خوردن جلوگیری می‌نمائی!»

گواهی دیگران درباره قرآن

در اینجا لازم می‌دانیم چند جمله از گفته‌های بزرگان و حتی کسانی که متهم به مبارزه با قرآن هستند، درباره عظمت قرآن نقل نمائیم:

۱- ابوالعلائی معری (متهم به مبارزه با قرآن) می‌گوید:

«این سخن در میان همه مردم - اعم از مسلمان غیر مسلمان - مورد اتفاق است که کتابی که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) آورده است، عقلها را در برابر خود مغلوب ساخته و تاکنون کسی نتوانسته است مانند آن را بیاورد، سبک این کتاب با هیچیک از سبکهای معمول میان عرب، اعم از خطابه، رجز، شعر و سجع کاهنان شباهت ندارد.

امتیاز و جاذبه این کتاب به قدری است که اگر یک آیه از آن در میان کلمات دیگران قرار گیرد همچون ستاره‌های فروزان در شب تاریک می‌درخشد!»

۲- ولید بن مغیره مخزومی - مردی که به حسن تدبیر در میان عرب شهرت داشت و برای حل مشکلات اجتماعی از فکر و تدبیر او در زمان جاهلیت استفاده می‌کردند، و به همین جهت او را «ریحانه قریش» (گل سر سبد آنها!) می‌نامیدند.

پس از اینکه چند آیه از اول سوره «غافر» را از پیغمبر شنید در محفلی از طائفه بنی مخزوم حاضر شد و چنین گفت:

«به خدا سوگند از محمد سخنی شنیدم که نه شباهت به گفتار انسانها دارد و نه پریان و ان له لحلاوة، و ان علیه لطلاوة و ان اعلاه لمثمر و ان اسفله لمغدق، و انه یعلو و لا یعلی علیه: «گفتار او شیرینی خاص و زیبایی مخصوصی دارد، بالای آن (همچون شاخه‌های درختان برومند) پر ثمر، و پائین آن (مانند ریشه‌های درختان کهن) پرمایه است، گفتاری است که بر همه چیز

پیروز می‌شود و چیزی بر آن پیروز نخواهد شد».

۳- کارلایل - مورخ و دانشمند معروف انگلیسی درباره قرآن می‌گوید: «اگر یک بار به این کتاب مقدس نظر افکنیم حقائق برجسته و خصائص اسرار وجود طوری در مضامین جوهره آن پرورش یافته که عظمت و حقیقت قرآن به خوبی از آنها نمایان می‌گردد و این خود مزیت بزرگی است که فقط به قرآن اختصاص یافته و در هیچ کتاب علمی و سیاسی و اقتصادی دیگر دیده نمی‌شود، بلی خواندن برخی از کتابها تأثیرات عمیقی در ذهن انسان می‌گذارد ولی هرگز با تأثیر قرآن قابل مقایسه نیست، از این جهت بایستی گفت: مزایای اولیه قرآن و ارکان اساسی آن مربوط به حقیقت و احساسات پاک و عناوین برجسته مسائل و مضامین مهم آن است که هیچگونه شک و تردید در آن راه نیافته و پایان تمام فضائل را که موجب تکامل و سعادت بشری است در برداشته و آنها را به خوبی نشان می‌دهد».

۴- «جانسیون پورت» مؤلف کتاب عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن می‌نویسد: قرآن به اندازه‌ای از نقائص مبرا و منزّه است که نیازمند کوچکترین

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۱۳۷

تصحیح و اصلاحی نیست و ممکن است از اول تا به آخر آن خوانده شود بدون آنکه انسان کمترین ملالتی از آن احساس کند و باز او می‌نویسد: و همه این معنی را قبول دارند که قرآن با بلیغترین و فصیحترین لسان و به لهجه قبیله قریش که نجیبترین و مؤدبترین عربها هستند نازل شده ... و مملو از درخشنده‌ترین اشکال و محکمترین تشبیهات است ...».

۵- «گوته» شاعر و دانشمند آلمانی می‌گوید:

«قرآن اثری است که (احیانا) بواسطه سنگینی عبارت آن خواننده در ابتدا رمیده می‌شود و سپس مفتون جاذبه آن می‌گردد و بالاخره بی‌اختیار مجذوب زیباییهای متعدد آن می‌شود».

و در جای دیگر می‌نویسد:

«سالیان درازی کشیشان از خدا بی‌خبر ما را از پی بردن به حقائق قرآن مقدس و عظمت آورنده آن محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) دور نگاه داشته بودند، اما هر قدر که ما قدم در جاده علم و دانش گذارده‌ایم پرده‌های جهل و تعصب نابجا از بین می‌رود و به زودی این کتاب توصیف ناپذیر (قرآن) عالم را به خود جلب نموده و تأثیر عمیقی در علم و دانش جهان کرده

سرانجام محور افکار مردم جهان می‌گردد!»!
هم او می‌گوید: «ما در ابتدا از قرآن رو گردان بودیم، اما طولی نکشید که این کتاب توجه ما را به خود جلب کرد، و ما را دچار حیرت ساخت تا آنجا که در برابر اصول و قوانین علمی و بزرگ آن سر تسلیم فرود آوریم!»!
۶- «ویل دورانت» مورخ معروف می‌گوید:
«قرآن در مسلمانان آنچنان عزت نفس و عدالت و تقوایی به وجود آورده

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۱۳۸

که در هیچیک از مناطق جهان ... شبیه و نظیر نداشته است
۷- «ژول لابوم» اندیشمندی و نویسنده فرانسوی در کتاب «تفصیل الایات» می‌گوید:
«دانش و علم برای جهانیان از سوی مسلمانان بدست آمد و مسلمین علوم را از «قرآنی» که دریای دانش است گرفتند و نهرها از آن برای بشریت در جهان جاری ساختند...».
۸- «دینورت» مستشرق دیگری می‌نویسد:
واجب است اعتراف کنیم که علوم طبیعی و فلکی و فلسفه و ریاضیات که در اروپا رواج گرفت عموماً از برکت تعلیمات قرآنی است و ما مدیون مسلمانانیم بلکه اروپا از این جهت شهری از اسلام است!».
۹- بانو دکتر «لوراواکسیا واگلیری» استاد دانشگاه «ناپل» در کتاب «پیشرفت سریع اسلام» می‌نویسد: «کتاب آسمانی اسلام نمونه‌ای از اعجاز است ... قرآن کتابی است که نمی‌توان از آن تقلید کرد، نمونه سبک و اسلوب قرآن در ادبیات سابقه ندارد، تأثیری که این سبک در روح انسان ایجاد می‌کند ناشی از امتیازات و برتریهای آن است ... چطور ممکن است «این کتاب اعجاز آمیز» ساخته محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد در صورتی که او یک نفر عرب درس نخوانده‌ای بود ..
ما در این کتاب گنجینه‌ها و ذخائری از علوم می‌بینیم که فوق استعداد و ظرفیت باهوشترین اشخاص و بزرگترین فیلسوفان و قویترین رجال سیاست و قانون است.
بدلیل این جهات است که قرآن نمی‌تواند کار یک مرد تحصیل کرده و دانشمندی باشد.

آیه ۲۵

آیه و ترجمه

و بشر الذین ءامنوا و عملوا الصالحات ان لهم جنت تجری من تحتها الانهر کما رزقوا منها من ثمرة رزقا قالوا هذا الذی رزقنا من قبل و اتوا به متشبهها و لهم فیها ازواج مطهرة و هم فیها خالدون ۲۵

ترجمه :

۲۵- به کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح دارند، بشارت ده، که باغهایی از بهشت برای آنها است، که نهرها از زیر درختانش جاری است، هر زمانی که میوه‌ای از آن به آنها داده‌شود، می‌گویند این همان است که قبلاً به ما روزی شده بود (ولی چقدر اینها از آنها بهتر و عالتر است) و میوه‌هایی که برای آنها می‌آورند همه (از نظر خوبی و زیبایی) یکسانند، و برای آنها همسرانی پاک و پاکیزه است و جاودانه در آن خواهند بود.

تفسیر :

ویژگی نعمتهای بهشتی

از آنجا که در آخرین آیه بحث گذشته، کافران و منکران قرآن به عذاب دردناکی تهدید شدند، در آیه مورد بحث، سرنوشت مؤمنان را بیان می‌کند تا همانگونه که روش قرآن است بامقابلۀ این دو با هم، حقیقت روشنتر شود. نخست می‌گوید: «به آنها که ایمان آوردند و عمل صالح انجام داده‌اند بشارت ده که برای آنها باغهایی از بهشت است که نهرها از زیر درختانش جریان دارد» (و بشر الذین آمنوا و عملوا الصالحات ان لهم جنت تجری من تحتها الانهار).

می‌دانیم باغهایی که آب دائم ندارند و باید گاهگاه از خارج، آب برای آنها بیاورند، طراوت زیادی نخواهند داشت، طراوت از آن باغی است که همی‌شه آب

در اختیار دارد، آبهایی که متعلق به خود آنست و هرگز قطع نمی‌شود خشکسالی و کمبود آب آن را تهدید نمی‌کند و چنین است باغهای بهشت. سپس ضمن اشاره به میوه‌های گوناگون این باغها می‌گوید: «هر زمان از

این باغها میوه‌ای به آنها داده می‌شود می‌گویند: این همان است که از قبل به ما داده شده است» (کلما رزقوا منها من ثمرة رزقا قالوا هذا الذی رزقنا من قبل).

مفسران برای این جمله تفسیرهای مختلفی ذکر کرده‌اند: بعضی گفته‌اند: منظور این است که این نعمتها به خاطر اعمالی است که ما قبلا در دنیا انجام دادیم و زمینه آن از قبل فراهم شده است. بعضی دیگر گفته‌اند: هنگامی که میوه‌های بهشتی را برای دومین بار برای آنها می‌آورند می‌گویند این همان میوه‌ای است که قبلا خوردیم، ولی هنگامی که آن را می‌خورند می‌بینند، طعم جدید و لذت تازه‌ای دارد! و به تعبیر دیگر فی المثل سیب و انگوری را که در این دنیا می‌خوریم در هر مرتبه همان طعم قبل را احساس می‌کنیم، ولی میوه‌های بهشتی هر چند ظاهرا یک نوع بوده باشند هر بار طعم جدیدی دارند، و این از امتیازات آن جهان است که گوئی تکرار در آن نیست!

بعضی دیگر گفته‌اند: منظور این است که آنها هنگامی که میوه‌های بهشتی را می‌بینند آن را شبیه میوه‌های دنیا می‌یابند، تا خاطره ناماءنوسی نداشته باشد، اما به هنگامی که می‌خورند طعم کاملا تازه و عالی در آن احساس می‌کنند. هیچ مانعی ندارد که جمله بالا اشاره به همه این مفاهیم و تفاسیر باشد چرا که الفاظ قرآن گاه دارای چندین معنی است.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۱۴۱

سپس اضافه می‌کند «و میوه‌هایی برای آنها می‌آورند که با یکدیگر شبیه‌اند» (واتوا به متشابهها).

یعنی همه از نظر خوبی و زیبایی همانندند، آنچنان در درجه اعلا قرار دارند که نمی‌شود یکی را بر دیگری ترجیح داد، به عکس میوه‌های این جهان که بعضی ممکن است نارس باشند، بعضی بیش از حد رسیده، بعضی کم رنگ و بو بعضی خوشبو و معطر، ولی میوه‌های باغهای بهشت یک از یک خوشبوتر، یک از یک شیرینتر و یک از یک جالبتر و زیباتر!

و بالاخره آخرین نعمت بهشتی که در این آیه به آن اشاره شده همسران پاک و پاکیزه است می‌فرماید: «برای آنها در بهشت همسران مطهر و پاکی است» (و لهم فیها ازواج مطهره).

پاک از همه آلودگی‌هایی که در این جهان ممکن است داشته باشند، پاک از

نظر روح و قلب، و پاک از نظر جسم و تن.
یکی از اشکالات نعمتهای دنیا این است که انسان در همان حال که دارای نعمت است فکر زوال آن را می‌کند و خاطرش پریشان می‌شود، و به همین دلیل هرگز این نعمتهایمی‌تواند آرامش آفرین گردد، اما نعمتهای بهشتی چون جاودانی است و فنا و زوالی برای آن نیست از هر جهت کامل و آرام بخش است، لذا در پایان آیه می‌فرماید: «مؤمنان جاودانه در آن باغهای بهشت خواهند بود» (و هم فیها خالدون).

نکته‌ها

۱- «ایمان» و «عمل»

در بسیاری از آیات قرآن، ایمان و عمل صالح در کنار هم واقع شده‌اند به گونه‌ای که نشان می‌دهد این دو جدائی ناپذیرند، و راستی هم چنین است زیرا

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۱۴۲

ایمان و عمل مکمل یکدیگرند.
ایمان اگر در اعماق جان نفوذ کند حتما شعاع آن، در اعمال انسان خواهد تابید، و عمل او را عمل صالح می‌کند، همچون چراغ پرنوری که در درون اطاقی برافروزند، اشعه آن از تمام پنجره‌ها و دریچه‌ها به بیرون می‌تابد، و چنین است چراغ پرفروغ ایمان که در قلب انسان روشن می‌شود، شعاعش از چشم و گوش و زبان و دست و پاکی او آشکار می‌گردد!
در سوره طلاق آیه ۱۱ می‌خوانیم: و من یؤمن بالله و یعمل صالحا یدخله جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ابدًا: «آنکس که به خدا ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، او را وارد باغهایی از بهشت خواهد ساخت که از زیر درختانش نهرها جاری است، همی‌شه در آن خواهند ماند».
و در سوره نور آیه ۵۵ می‌خوانیم وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض: «خداوند وعده داده است به افرادی که ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند آنها را خلفای روی زمین قرار دهد»!
اصولا ایمان همچون ریشه است و عمل صالح، میوه آن، وجود میوه شیرین دلیل بر سلامت ریشه است، و وجود ریشه سالم سبب پرورش میوه‌های مفید ممکن است افراد بی‌ایمان گهگاه عمل صالحی انجام دهند، ولی مسلما همی‌شگی نخواهد بود آنچه عمل صالح را تضمین می‌کند ایمانی است که در

اعماق وجود انسان ریشه‌دوانده باشد و با آن احساس مسئولیت کند.

۲- همسران پاک

جالب اینکه تنها وصفی که برای همسران بهشتی در این آیه بیان شده وصف «مطهرة» (پاک و پاکیزه) است و این اشاره‌ای است به اینکه: اولین و مهمترین شرط

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۱۴۳

همسر، پاکی و پاکیزگی است، و غیر از آن همه تحت الشعاع آن قرار دارد، حدیث معروفی که از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده نیز این حقیقت را روشن می‌کند ایاکم وخضراء الدمن قیل یا رسول الله و ما خضراء الدمن؟ قال المرئة الحسناء فی منبت السوء! «از گیاهان سرسبزی که بر مزبله‌ها می‌روید بپرهیزید! عرض کردند: ای پیامبر منظور شما از این گیاهان چیست؟ فرمود: زن زیبایی است که در خانواده آلوده‌ای پرورش یافته».

۳- نعمتهای مادی و معنوی در بهشت

گرچه در بسیاری از آیات قرآن، سخن از نعمتهای مادی بهشت است: باغهایی که نه‌های آب جاری از زیر درختان آن در حرکت است قصرها، همسران پاکیزه، میوه‌های رنگارنگ، یاران هم‌رنگ و مانند آن. ولی در کنار این نعمتها اشاره به نعمتهای معنوی مهمتری نیز شده است که ارزیابی عظمت آنها با مقیاسهای ما امکانپذیر نیست، مثلاً در آیه ۷۲ توبه می‌خوانیم: وعد الله المؤمنين والمؤمنات جنات تجري من تحتها الانهار خالدين فيها و مساكن طيبة فی جنات عدن و رضوان من الله اكبر ذلک هو الفوز العظيم:

«خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغهایی از بهشت وعده داده که از زیر درختانش نه‌ها جاری است، جاودانه در آن خواهند بود، و مسکنهای پاکیزه در این بهشت جاودان دارند، همچنین خشنودی پروردگار که از همه اینها بالاتر است و این است رستگاری بزرگ».

و در آیه ۸ سوره «بینه» بعد از ذکر نعمتهای مادی بهشت می‌خوانیم: رضی الله عنهم و رضوا عنه: «خداوند از آنها خشنود است و آنها نیز از خدا خشنودند».

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه: ۱۴۴

و به راستی اگر کسی به آن مقام برسد که احساس کند خدا از او راضی است و او هم از خدا راضی، همه لذات دیگر را از یاد خواهد برد، تنها به او دل می‌بندد، و به غیر او نمی‌اندیشد، و این لذتی است روحانی که با هیچ زبان و بیانی قابل توصیف نیست.

کوتاه سخن اینکه چون معاد هم جنبه روحانی دارد و هم جسمانی نعمتهای بهشتی نیز هر دو جنبه را دارند، تا جامعیت آنها حاصل شود، و هر کس به اندازه استعداد و شایستگیش بتواند از آنها بهره گیرد.

بعد ←

↑ فرست

→ قبل